

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۲
چشم‌انداز ۱۳۹۳

زیر نظر شورای نویسندگان



روندها و گرایش‌های نظامی - دفاعی در منطقه

مقدمه

در سال ۱۳۹۲، همچون سال‌های گذشته در منطقه خاورمیانه و محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، تحولات نظامی و دفاعی گسترده‌ای روی داد. از جمله می‌توان به گسترش زمینه‌ها برای ورود هرچه بیشتر ناتو به منطقه، آشکارشدن تمایل آمریکا برای کاستن از حضور و تعهد نظامی خود در خاورمیانه و اولویت راهبردی منطقه شرق آسیا، افزایش نگرانی‌های امنیتی کشورهای عربی به خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس از تعهد آمریکا به امنیت‌شان و در نتیجه، گسترش تمایل آنها برای خریدهای گسترده نظامی، برگزاری رزمایش‌های نظامی متعدد و همچنین آماده‌شدن شرایط برای نهایی‌شدن توافق راهبردی آمریکا و افغانستان اشاره نمود. نکته مهمی که درباره این رویدادها و روندهای نظامی و دفاعی وجود دارد، اینکه تقریباً تمامی آنها به شکلی مرتبط با هم و به عبارت صحیح‌تر، تحت تأثیر همدیگر قرار دارند. به عنوان نمونه، اعلان راهبرد آمریکا مبنی بر اینکه این کشور در حال تغییر اولویت راهبردی خود از خاورمیانه به شرق آسیاست، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر گسترش روابط نظامی کشورهای عربی با سایر کشورها و همچنین گسترش شدید خرید تسلیحات در سال ۱۳۹۲ توسط کشورهای عربی می‌باشد. به همین شکل، برگزاری کنفرانس امنیتی بحرین نیز در راستای همین نگرانی کشورهای عربی از تعهد آمریکا به امنیت منطقه و تلاش آمریکا برای اطمینان مجدد به کشورهای عربی قابل درک می‌باشد. بنابراین، تفکیک این روندها و رویدادها در این گزارش تنها برای تمرکز بیشتر و تجزیه و تحلیل دقیق‌تر آنها می‌باشد. با توجه به این موضوع، در ادامه این روندها و رویدادها به شکل جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند، اما در جمع‌بندی و ارائه چشم‌انداز تلاش می‌شود تمامی این موضوعات با دیدی کلی و کلان تبیین شوند.

برآورد ۱۳۹۲

بدون تردید، رویدادها و روندهای نظامی و دفاعی در هر منطقه‌ای تحت تأثیر وضعیت و شرایط امنیتی آن منطقه و همچنین تحولات جهانی قرار دارد. در سال ۱۳۹۲ نیز رویدادها و روندهای نظامی خاورمیانه تا حد زیادی تحت تأثیر شرایط کلی این منطقه و همچنین شرایط جهانی قرار داشت. در این راستا، آنچه در سطح منطقه بر روندهای نظامی و دفاعی تأثیر گذاشت، نگرانی‌هایی بود که کشورهای عربی از تحولات در جهان عرب و به خصوص در سوریه، عراق، لبنان و حتی یمن و همچنین، برنامه هسته‌ای ایران داشتند. در واقع، کشورهای عربی بر این باور بوده و هستند که روند امور در کشورهای عربی و همچنین برنامه هسته‌ای ایران نباید آنگونه پیش رود که توازن قوای منطقه‌ای را به ضرر آنها تغییر دهد. در نتیجه این امر و برای جلوگیری از چنین تغییری در توازن قوا، آنها مجموعه اقدامات و برنامه‌های نظامی را اولویت داده‌اند که همان‌ها مهم‌ترین روندها و رویدادهای نظامی و دفاعی در سال ۱۳۹۲ را شکل داده‌اند. متغیر دیگری که در سطح جهانی روندها و گرایش‌های نظامی در منطقه خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داد، تغییر اولویت آمریکا از خاورمیانه به سمت شرق آسیا بود. این موضوع باعث شد تقریباً تمامی روندها و گرایش‌های نظامی و دفاعی در سطح منطقه و به خصوص در میان کشورهای عربی خلیج فارس تحت تأثیر قرار گیرد. بنابراین، یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر روندهای نظامی و دفاعی منطقه در سال ۱۳۹۲، کاهش اهمیت راهبردی خاورمیانه برای آمریکا و کاستن از تعهد این کشور به امنیت کشورهای عربی بوده است. به همین دلیل در ادامه، ابتدا تغییر در راهبرد کلان آمریکا در قبال خاورمیانه مورد بحث قرار می‌گیرد. پس از آن، با توجه به این تغییر کلان، سایر روندها و گرایش‌ها بحث خواهد شد.

آنچه در سطح منطقه بر روندهای نظامی و دفاعی تأثیر گذاشت، نگرانی‌هایی بود که کشورهای عربی از تحولات در جهان عرب و به خصوص در سوریه، عراق، لبنان و حتی یمن و همچنین، برنامه هسته‌ای ایران داشتند

تغییر اولویت راهبردی آمریکا از خاورمیانه به شرق آسیا

از مهم‌ترین روندهای نظامی و دفاعی در منطقه پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، آشکارشدن تمایل آمریکا برای کاستن از حضور نظامی خود در منطقه خاورمیانه می‌باشد. در واقع، با توجه به تهدیدات چین یکی از محورهای راهبرد کلان دولت اوباما، اولویت قائل‌شدن به منطقه شرق آسیا به جای خاورمیانه می‌باشد. این موضوع بارها توسط متن‌ها و سندهای امنیتی دولت آمریکا که طی چند سال گذشته منتشر شده‌اند، مورد تأیید قرار گرفته است. روندهای نظامی و دفاعی موجود در خاورمیانه و شرق آسیا نیز این امر را نشان می‌دهد که این مسئله در سطح نظری باقی نمانده و عملاً آمریکا در حال تغییر اولویت راهبردی خود است. از جمله راهبرد دولت اوباما برای خروج سربازان آمریکایی از عراق و همچنین در سال ۲۰۱۴ از افغانستان و گسیل بیشتر آنها به پایگاه‌هایی در استرالیا و منطقه پاسیفیک، به خوبی این تغییر را نشان می‌دهند. ضمن اینکه،

عدم تمایل آمریکا برای دخالت نظامی در سوریه و تلاش برای حل و فصل دیپلماتیک موضوع هسته‌ای ایران نیز این روند را تأیید می‌کند. نکته مهم اینکه آشکارشدن تمایل آمریکا برای کاستن از حضور و تعهدش به خاورمیانه باعث گرایش دولت‌ها به رویکردهای نظامی و دفاعی در منطقه شده است. از جمله اینکه، کشورهای عرب خلیج فارس ضمن درک این موضوع و انتقاد از آمریکا، در حال متنوع نمودن حامیان نظامی خود و همچنین، خریدهای گسترده تسلیحاتی هستند. البته، انتقاد از آمریکا اختصاص به کشورهای عربی نداشته و حتی ترکیه به عنوان متحد آمریکا و تنها کشور عضو ناتو از خاورمیانه و همچنین رژیم صهیونیستی نیز عدم تعهد آمریکا به امنیت منطقه را به شدت مورد انتقاد قرار داده‌اند. ضمن اینکه، بسیاری از کارشناسان، اساتید، استراتژیست‌ها و تحلیل‌گران غربی نیز از این موضوع به شدت انتقاد کرده‌اند.

تلاش آمریکا برای گسترش حضور ناتو

موضوع مهم دیگر، تلاش آمریکا برای ورود هرچه بیشتر ناتو به مسائل و بحران‌های موجود در خاورمیانه می‌باشد. در سال ۱۳۹۲، این روند سرعت بیشتری به خود گرفت. البته، سابقه حضور و همکاری ناتو با کشورهای منطقه به دهه ۹۰ و «گفت‌وگوهای مدیترانه»^۱ برمی‌گردد. بعد از آن نیز دولت آمریکا با طرح «ابتکار همکاری استانبول»^۲ تلاش نمود زمینه بیشتری برای حضور ناتو در منطقه خاورمیانه و به خصوص در خلیج فارس مهیا کند. با این وجود، گفت‌وگوهای مدیترانه و ابتکار همکاری استانبول نتوانست به دلایل متعددی از جمله نبود اراده سیاسی و اختلافات داخلی بین اعضای ناتو، باعث تقویت حضور این سازمان در منطقه خاورمیانه شود. در عین حال، طی چند سال گذشته تغییری جدی در راهبرد آمریکا در قبال منطقه خاورمیانه و همچنین ناتو صورت گرفته که بر اساس آن، ناتو باید حضور نظامی و امنیتی بیشتری در منطقه داشته باشد. هدف آمریکا از این تغییر کاستن از نقش و هزینه‌های نظامی خود و تمرکز بیشتر بر شرق آسیا به جای خاورمیانه می‌باشد. در واقع، تلاش آمریکا برای گسترش ورود ناتو به خاورمیانه، روی دیگر راهبرد کاهش حضور آمریکا در این منطقه می‌باشد. به تعبیر دیگر، دولت آمریکا قصد دارد با کاستن از حضور و تعهد خود به خاورمیانه و جایگزینی این خلاء با ناتو، از میزان هزینه‌های گسترده مادی و غیرمادی خود بکاهد و تمرکز اصلی خود را بر شرق آسیا و چین قرار دهد.

البته، تلاش آمریکا برای دادن نقش نظامی و امنیتی بیشتر به ناتو در منطقه خاورمیانه، با مخالفت‌هایی از سوی برخی کشورهای اروپایی مواجه شده است. با این وجود، روندهای

دولت آمریکا قصد دارد با کاستن از حضور و تعهد خود به خاورمیانه و جایگزینی این خلاء با ناتو، از میزان هزینه‌های گسترده مادی و غیرمادی خود بکاهد و تمرکز اصلی خود را بر شرق آسیا و چین قرار دهد

1. Mediterranean Dialogue (MD)
2. Istanbul Cooperation Initiative (ICI)

بر اساس گزارش «مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم»، در سال ۲۰۱۳ بودجه نظامی کشورهای عرب خاورمیانه که عمدتاً برای خرید نظامی هزینه می‌شود، چیزی در حدود ۹ درصد رشد داشته است

موجود نشانگر رویکرد جدید ناتو به خاورمیانه و موفقیت آمریکا در متقاعد کردن سایر اعضای ناتو برای ورود هرچه بیشتر این نهاد نظامی به خاورمیانه است. از جمله می‌توان به توافق بین ترکیه و ناتو در زمینه ایجاد سپر دفاع موشکی در این کشور اشاره نمود. ضمن اینکه ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه که توانایی مانیتورینگ گسترده‌ای دارد و می‌تواند با انواع و اقسام موشک‌ها مقابله کند، نگرانی‌هایی برای برخی از کشورهای منطقه و حتی خارج از منطقه همچون روسیه ایجاد نموده است. موضوع بعدی در مورد ناتو ارسال «سامانه‌های دفاع موشکی پاتریوت»^۱ به ترکیه به بهانه مقابله با حملات موشکی احتمالی سوریه می‌باشد. این سامانه‌ها در حال حاضر در ترکیه مستقر هستند و ترکیه خواهان تمدید حضور آنها تا مدت زمان نامشخصی است. همچنین باید به دخالت ناتو در لیبی و سرنگونی آسان و کم‌هزینه دولت قزافی اشاره نمود. این اقدام مدلی از دخالت نظامی در منطقه ایجاد نموده که در آینده می‌تواند تکرار شود، ضمن اینکه طی سال جاری ناتو مذاکراتی با کشورهای عربی به خصوص با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در مورد موضوعات مختلفی از جمله بحث مقابله با تروریسم و امنیت انرژی داشته است که در آینده می‌تواند زمینه را برای حضور هرچه بیشتر این نهاد در منطقه مهیا سازد. در واقع، برخی از کارشناسان با بررسی این روندها بر این باورند که آمریکا در حال جایگزین کردن ناتو به جای خود در خاورمیانه می‌باشد.

روندهای تسلیحاتی

همان‌گونه که گفته شد، برخی از کشورهای عربی از روند کاهش تمایل آمریکا برای حضور در منطقه خاورمیانه و بی‌میلی آمریکا برای ورود به بحران‌های منطقه‌ای همچون بحران سوریه به شدت ناراضی و نگران هستند. بر این اساس، آنها ضمن انتقاد از این موضوع، به دنبال گسترش روابط نظامی خود با سایر کشورها و خریدهای نظامی هستند. البته، کشورهای عربی و به ویژه عربستان و امارات متحده عربی همیشه جزو بزرگترین خریداران تسلیحات منطقه بوده‌اند، با وجود این، روند اخیر به هیچ عنوان با گذشته قابل مقایسه نیست. بر اساس گزارش «مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم»^۲، در سال ۲۰۱۳ بودجه نظامی کشورهای عرب خاورمیانه که عمدتاً برای خرید نظامی هزینه می‌شود، چیزی در حدود ۹ درصد رشد داشته است. رشد بودجه عربستان سعودی در این سال چیزی بیش از ۱۰ درصد و برای کویت و امارات در حدود ۱۰ درصد بوده است. نکته مهم اینکه در حال حاضر، عربستان با اختصاص چیزی در حدود ۵۷ میلیارد دلار بودجه نظامی در جایگاه هفتم جهان از این حیث قرار دارد. بر اساس گزارش

1. Patriot Missiles Defence System

2. Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

مؤسسه صلح استکهلم، این کشور در سال ۲۰۱۴ احتمالاً به رده ششم یا پنج جهان از نظر بودجه نظامی خواهد رسید. بر اساس گزارش‌های این مؤسسه، عربستان سعودی بیشتر بودجه نظامی خود را صرف خرید تسلیحات و جنگ‌افزار می‌کند. این کشور در سال ۱۳۹۲ تلاش نمود با خریدهای نظامی گسترده از کشورهای اروپایی، توان نظامی خود را به شکلی گسترش دهد که نیاز کمتری به آمریکا داشته باشد. بر این اساس، عربستان در سال ۱۳۹۲ قراردادی به مبلغ ۲۵ میلیارد دلار برای خرید ۲۵ ناو فوق پیشرفته آلمانی امضا نمود. بر اساس مفاد این قرارداد، ۵ ناو از این تعداد در کوتاه‌مدت و مابقی طی سال‌های آینده تحویل نیروی دریایی عربستان می‌شود. عربستان همچنین، قراردادی به ارزش ۱.۳ میلیارد یورو برای خرید دو ناو دریایی با فرانسه امضا نموده است. ضمن اینکه عربستان در سال ۱۳۹۲ از روسیه نیز تسلیحات نظامی گسترده‌ای خریداری نمود. در این زمینه می‌توان به قرارداد ۱۲ میلیارد دلاری دو کشور اشاره نمود که به گفته مقامات روس، یکی از سودآورترین قراردادهای نظامی روسیه طی چند سال گذشته بوده است.

در مهر ۱۳۹۲ اعلام شد که مطابق معمول عربستان و امارات متحده عربی قراردادهای مهمی برای خرید تسلیحات با آمریکا منعقد نموده‌اند. بر اساس اعلان پنتاگون، این قراردادها توان‌مندی عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای مقابله با تهدیدهای کنونی و آینده منطقه را بهبود می‌بخشد. بر اساس این قرارداد، عربستان سعودی یک هزار بمب سنگر شکن و امارات متحده عربی ۵ هزار بمب «جی بی یو-۳۹»^۱ با سیستم «ب آریو-۶۱»^۲ خریداری خواهند کرد. در این قرارداد همچنین موشک‌های کروز هوا پرتاب، صدها «موشک اس‌ال‌ای‌ام»^۳ و تسلیحات «جی‌اس‌اووی»^۴ نیز خریداری شده‌اند. این تسلیحات برای استفاده توسط هواپیماهای جنگنده اف-۱۵ آمریکایی که پیش‌تر از سوی عربستان سعودی و امارات متحده عربی خریداری شده، طراحی شده‌اند. عربستان به دلیل نارضایتی از سیاست منطقه‌ای آمریکا کوشید خریدهای تسلیحاتی خود را از سایر کشورهای غربی به ویژه فرانسه و آلمان گسترش دهد. در آبان‌ماه منابع آلمانی از تلاش عربستان سعودی برای خرید ۵ فروند ناو جنگی به ارزش ۲/۵ میلیارد یورو خبر دادند که بر اساس قرارداد امضا شده، در بلندمدت، امکان افزایش تعداد این ناوها به ۲۵ فروند هم وجود دارد. در همین حال، در سفر مهرماه وزیر دفاع فرانسه به عربستان، دو کشور قراردادهای نظامی قابل توجهی را منعقد کرده‌اند. بازسازی چهار ناو و دو کشتی جنگی عربستان، احتمال فروش دو فروند ناو جدید به این کشور و فروش نسل جدید

عربستان در سال ۱۳۹۲ قراردادی به مبلغ ۲۵ میلیارد دلار برای خرید ۲۵ ناو فوق پیشرفته آلمانی امضا نمود. بر اساس مفاد این قرارداد، ۵ ناو از این تعداد در کوتاه‌مدت و مابقی طی سال‌های آینده تحویل نیروی دریایی عربستان می‌شود

1. GBU-39
2. BRU-61
3. SLAM
4. JSOW

موشک‌های کروتال به ارزش بیش از چهار میلیارد یورو، از جمله این موارد اعلام شده است. در نهایت باید به قرارداد مهم خرید تسلیحات نظامی رژیم صهیونیستی از آمریکا اشاره نمود. بر اساس این قرارداد، رژیم صهیونیستی مجاز خواهد بود جت‌های سوخت‌رسان هوایی خریداری کند که توانایی این کشور برای هدف قرار دادن اهدافی در ایران را افزایش می‌دهد. انتشار این خبر با حضور جان کری وزیر امور خارجه آمریکا در منطقه و مهیا شدن چاک هیگل وزیر دفاع این کشور برای سفر به سرزمین‌های اشغالی همراه بود. هیگل که در زمان انتصاب از سوی برخی جمهوری‌خواهان به اتخاذ سیاست‌های ضد رژیم صهیونیستی متهم شده بود، در نخستین سفر خود به تل‌آویو، حمایت گسترده خود را از رژیم صهیونیستی اعلام نمود. سخنان بی‌پرده او در این خصوص که برنامه هسته‌ای ایران دغدغه مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌باشد، برای مقامات صهیونیست که نگران تنها ماندن در مواجهه با ایران هستند، بسیار ارزشمند بود. هیگل با اشاره به این موضوع که رژیم صهیونیستی می‌تواند در خصوص نحوه مواجهه با تهدید ایران مستقل عمل کند، هشدار داد که قرارداد تسلیحاتی جدید در حقیقت پیام مشخصی به ایران دارد. یکی از این قراردادها که در ۱۲ آبان از سوی منابع اسرائیلی اعلام شد، «برنامه ارسال ۶ فروند هواپیمای فوق پیشرفته» به اسرائیل است که باید شتاب گیرد. چاک هیگل، وزیر دفاع آمریکا گفت: «اسرائیل ۶ فروند از سری بعدی وی ۲۲ را که از سالن مونتاز در آمده‌اند، دریافت می‌کند.» این هواپیماها می‌توانند بدون شناسایی شدن توسط رادار به درون خاک ایران برسند. هر فروند از این هواپیماها قابلیت حمل ۲۴ تانکور تا گستره ۱۶۰۰ کیلومتر را دارند. این هواپیما به رژیم صهیونیستی این امکان را می‌دهد تا به نیمه غربی ایران دسترسی داشته باشد. آنها می‌توانند در دو جهت افقی و عمودی پرواز کنند و بدون نیاز به باند فرود در زمین فرود آیند. نهایت سرعت این هواپیماها ۵۰۰ کیلومتر در ساعت است و می‌توانند در هوا عمل سوخت‌گیری انجام دهند.

نکته دیگری که در بحث تحولات مرتبط با تسلیحات قابل ذکر می‌باشد، پیشرفت‌های برخی از کشورهای منطقه به ویژه ترکیه و رژیم صهیونیستی در زمینه ساخت و صادرات تسلیحات می‌باشد. البته، رژیم صهیونیستی از همان ابتدا و با حمایت‌های صورت گرفته از خارج، جزو کشورهایی محسوب می‌شد که در زمینه صادرات تسلیحات سهمی از بازار جهانی را در اختیار دارد. به عنوان نمونه، بر اساس گزارش مؤسسه صلح استکهلم، رژیم صهیونیستی طی سال‌های گذشته با داشتن سه شرکت بزرگ سازنده تسلیحات، سالیانه چیزی در حدود ۷ میلیارد دلار صادرات نظامی داشته است. در واقع، بخش مهمی از صنعت داخلی و صادرات رژیم صهیونیستی در حوزه تسلیحات است. ترکیه نیز طی چند دهه گذشته سرمایه‌گذاری‌های خوبی در زمینه ساخت تسلیحات نموده و طی چند سال گذشته در زمینه بومی‌سازی تولید تسلیحات موفقیت‌های خوبی داشته است. بر اساس گزارش مؤسسه صلح استکهلم، این کشور

با داشتن یک شرکت تولید تسلیحات و صادرات ۱ میلیاردی، در رتبه ۱۱ جهان قرار دارد. بر اساس گزارش‌های کنگره آمریکا از وضعیت صادرات تسلیحات در جهان، هدف ترکیه صادرات ۲ میلیاردی در سال ۲۰۱۶ می‌باشد.

رزمایش‌ها

در سال ۱۳۹۲، همچون سال‌های گذشته، آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی رزمایش‌های بزرگ و کوچکی در منطقه خاورمیانه و به ویژه در آب‌های خلیج فارس برگزار نمودند. البته، سال ۱۳۹۲ را می‌توان از منظر برگزاری رزمایش‌ها به دو مقطع متفاوت تقسیم نمود. در مقطع اول که به شکلی می‌توان آن را ادامه سال ۱۳۹۱ در نظر گرفت، روند برگزاری رزمایش‌ها با شدت و حدت در حال تداوم بود. در این زمان آمریکا و متحدانش، بزرگترین رزمایش‌های تاریخ خاورمیانه را در آب‌های خلیج فارس برگزار کردند و عملاً آمادگی خود را برای هر گونه اقدام نظامی علیه ایران اعلام نمودند. رژیم صهیونیستی نیز به شکل موازی تهدیدات خود را در این مقطع به اوج خود رساند و با انواع و اقسام اقدامات و برگزاری رزمایش‌های متنوع، آمادگی خود را برای حمله نظامی به ایران اعلام نمود. با این وجود، در مقطع دوم و با روی کار آمدن دولت جدید در ایران و کاهش چالش بحران هسته‌ای و در نتیجه تغییر شرایط منطقه‌ای و جهانی به سود جمهوری اسلامی، از روند تهدیدات نظامی کاسته شد. بر این اساس در زمینه برگزاری رزمایش‌ها باید به این تغییر توجه کرد.

مهم‌ترین رزمایش برگزار شده در سال ۱۳۹۲ رزمایشی می‌باشد که در بهار به رهبری آمریکا و با حضور بیش از ۴۰ کشور جهان، از جمله کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برگزار شد. برگزاری این رزمایش در ادامه سلسله رزمایش‌های قبلی قرار داشت که در سال ۱۳۹۱ برگزار شده بودند. هدف اصلی این رزمایش‌ها عملاً نشان دادن آمادگی برای مقابله با هر گونه اقدام جهت بسته شدن تنگه هرمز بود. البته، مقامات برگزار کننده این رزمایش هدف اصلی آن را افزایش هماهنگی و آمادگی کشورهای شرکت کننده اعلان کرده بودند؛ با این وجود، زمان برگزاری رزمایش و نوع رزمایش که در آن مقابله با قایق‌های تندرو و مین‌گذاری دریایی تمرین شد، نشان از هدف بودن جمهوری اسلامی ایران بود.

رژیم صهیونیستی نیز در سال ۱۳۹۲ رزمایش‌های متعددی را برگزار کرد. عموماً در این رزمایش‌ها تلاش می‌شد مواردی همچون شلیک موشک به اهداف دوردست، سوخت‌گیری هوایی، مقابله هوایی با جنگنده‌ها و حمله به مناطق حساس دشمن تمرین شود. موضوع بعدی که صهیونیست‌ها در رزمایش‌ها آن را تمرین می‌کردند، آمادگی برای مقابله با حملات تلافی‌جویانه ایران در واکنش به حمله به تأسیسات هسته‌ای‌اش بود. در این رزمایش‌ها بیشتر

مهم‌ترین رزمایش برگزار شده در سال ۱۳۹۲ رزمایشی می‌باشد که در بهار به رهبری آمریکا و با حضور بیش از ۴۰ کشور جهان، از جمله کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برگزار شد

سعی می‌شد که توانایی سیستم پدافند هوایی رژیم صهیونیستی همچون «نیزه ۱»^۱ و «نیزه ۲»^۲ مورد بررسی قرار گیرد.

در نهایت باید به رزمایش‌های مشترکی اشاره نمود که در سال ۱۳۹۲ توسط کشورهای عربی به خصوص عربستان سعودی با کشورهای همچون آمریکا، انگلستان و فرانسه برگزار شد. در این رزمایش‌ها کارشناسان و افسران نظامی آمریکا، انگلستان و فرانسه، توانمندی‌ها و نقاط ضعف و قوت نیروی زمینی، هوایی و دریایی عربستان سعودی در مقابله با تهدیدات و همچنین استفاده از تسلیحات مدرن و خریداری شده را سنجیدند. ضمن اینکه عربستان و مصر هر ساله رزمایش‌هایی را به شکل مشترک برگزار می‌کنند. در این رزمایش‌ها، یگان‌های مختلفی از پیاده‌نظام، دفاع هوایی، نیروهای هوایی، چترباز و نیروهای صاعقه دو کشور حاضر می‌شوند. آخرین رزمایش دریایی در سپتامبر گذشته در آب‌های عربستان برگزار شد. در این رزمایش، عملیات یگان‌های ویژه دریایی، عملیات یورش با مشارکت هواپیماهای عمودپرواز، عملیات سوخت‌رسانی به کشتی‌ها و حملات هوایی مرور شد.

توافق راهبردی آمریکا و افغانستان

بحث نهایی‌شدن موافقت‌نامه راهبردی آمریکا و افغانستان، رویداد نظامی و راهبردی دیگری می‌باشد که در سال ۱۳۹۲ بسیاری از کشورهای منطقه به خصوص جمهوری اسلامی ایران را نگران کرد. البته، هنوز مشخص نیست که سرانجام این موافقت‌نامه با توجه به مخالفت‌های دولت کرزای به کجا ختم خواهد شد. با این وجود و با توجه به شرایط موجود در افغانستان می‌توان گفت در نهایت موافقت‌نامه امضا خواهد شد. فارغ از این موضوع، چند نکته مهم در این موافقت‌نامه وجود دارد که باعث نگرانی کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران گشت. اول اینکه، طبق مفاد آن قرارست چیزی در حدود ۱۰ هزار سرباز آمریکایی در بیش از ۹ پایگاه افغانستان، که عمدتاً در مرزهای نزدیک به ایران و پاکستان هستند، باقی بمانند. به هر حال این چیزی نیست که در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران باشد. مسئله بعدی اینکه هرچند در این موافقت‌نامه آمده که دولت آمریکا حق استفاده از خاک افغانستان برای آغاز حمله به کشور ثالث را ندارد؛ اما این بدان معنا نیست که در صورت درگیری آمریکا با یکی از کشورهای منطقه، در مراحل بعدی از خاک افغانستان استفاده نشود. در نتیجه همین امر، مقامات ایرانی بارها در دیدارهای متعدد از جمله در هنگام حضور رئیس‌جمهور حامد کرزای در ایران، تذکرات لازم را به مقامات افغانستان داده‌اند.

1. Arrow1

2. Arrow 2

کنفرانس امنیتی بحرین

یکی دیگر از رویدادهای مهم در سال ۱۳۹۲، برگزاری دور نهم کنفرانس امنیتی در منامه بحرین با عنوان گفتمان منامه بود که توسط وزارت امور خارجه و مرکز بین‌المللی مطالعات راهبردی بحرین برگزار شد. در این کنفرانس امنیتی، وزیران امور خارجه و کارشناسان نظامی و امنیتی نزدیک به ۵۰ کشور جهان حضور داشتند و مهم‌ترین مسائل امنیتی و نظامی جهان و منطقه را مورد بحث و بررسی قرار دادند. از جمله موضوعات این کنفرانس حوادث و رویدادهای خاورمیانه و همچنین توافق‌نامه هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ بود. با وجود این، مهم‌ترین سخنران در این اجلاس، چاک هیگل وزیر دفاع آمریکا بود که طی آن تلاش نمود جو منفی ایجادشده بر علیه کشورش مبنی بر کاهش تعهد آمریکا به امنیت منطقه را تا اندازه‌ای بازسازی کند. وی ضمن تأکید بر نگرانی مشترک آمریکا و کشورهای عربی در ارتباط با رویدادهای سوریه و بحران هسته‌ای ایران، بر اقدامات مشترک با کشورهای عربی تأکید کرد. وی اشاره نمود که آمریکا همچنان ۳۵ هزار نفر از نیروی‌های نظامی خود را در خلیج فارس برای امنیت انرژی و امنیت کشورهای عربی حفظ خواهد کرد و اجازه فروش تسلیحات پیشرفته در زمینه دفاع هوایی به این کشورها را خواهد داد. بر این اساس، مهم‌ترین محور اجلاس امنیتی منامه را باید تلاش آمریکا برای بازسازی جایگاهش نزد کشورهای عربی در خاورمیانه و مهیا نمودن شرایط برای فروش گسترده‌تر تسلیحات نظامی عنوان کرد.

برآورد مقایسه‌ای

مقایسه روندها و گرایش‌های نظامی سال ۱۳۹۲ با سال گذشته، این موضوع را نشان می‌دهد که در این روندها تداوم بیش از تغییر قابل مشاهده است. به تعبیر دیگر، روندهای سال ۱۳۹۲ به شکلی در ادامه روندهای سال ۱۳۹۱ قرار دارند و اتفاقاً با توجه به روندهای سال‌های گذشته بیشتر قابل درک و تجزیه و تحلیل هستند. به عنوان نمونه، تغییر سیاست آمریکا در کاستن از اهمیت خاورمیانه در مقایسه با منطقه شرق آسیا، روندی می‌باشد که عملاً با به قدرت رسیدن اوباما آغاز شده است. گواه این موضوع تلاش اوباما از همان ابتدا برای خروج از عراق و افغانستان و گسیل نیروهای نظامی آمریکا به شرق آسیا می‌باشد. با این وجود، تفاوت‌ها در روندهای نظامی و دفاعی سال ۱۳۹۲ به نسبت سال ۱۳۹۱ دیده می‌شود. در این راستا، مهم‌ترین عاملی که باعث ایجاد روندهای جدید نظامی در منطقه شد، کاهش تعهد آمریکا به امنیت منطقه و گسترش اختلافات بین برخی کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی با آمریکا بود. همین موضوع باعث شد روندهای جدید نظامی در منطقه شکل گیرد. از جمله اینکه برای اولین بار، به شکل جدی، عربستان و کشورهای عربی به این باور رسیدند که باید کمتر به آمریکا

وابستگی نظامی داشته باشند و بیشتر بر توان نظامی خود اتکا کنند. به همین دلیل، آنها در سال ۱۳۹۲ خریدهای نظامی بی‌سابقه‌ای داشتند. همچنین، کشورهای عربی تلاش نمودند با سایر کشورها از جمله فرانسه، آلمان و روسیه نیز روابط نزدیک نظامی داشته باشند. تفاوت بعدی در برگزاری رزمایش‌های بزرگی است که طی چند سال گذشته توسط آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی برگزار می‌شد، اما در سال جاری به خصوص پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران از تعداد آنها کاسته شد. در این زمینه باید گفت در حالی که در سال ۱۳۹۱ بزرگ‌ترین رزمایش‌های تاریخ خاورمیانه برگزار شد، در سال ۱۳۹۲ به غیر رزمایش آمریکا در بهار ۱۳۹۲ که آن هم از قبل پیش‌بینی شده بود، رزمایش بزرگ دیگری برگزار نکردید. علت این موضوع هم کاسته‌شدن از نگرانی‌ها در مورد پرونده هسته‌ای ایران به واسطه آغاز روند دیپلماسی و گسترش اختلافات مابین آمریکا و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس بود.

چشم‌انداز ۱۳۹۳

آنچه در مورد آینده روندهای نظامی و دفاعی در خاورمیانه می‌توان پیش‌بینی نمود، گسترش احساس ناامنی امنیتی و نظامی در منطقه و به خصوص در میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس می‌باشد. در واقع، طی سال آینده همچون سال ۱۳۹۲ کشورهای عربی به شدت تحت تأثیر کاهش اهمیت و اولویت راهبردی خاورمیانه برای آمریکا قرار خواهند گرفت و شک و تردیدها نسبت به تعهد این کشور به امنیت خاورمیانه افزایش خواهد یافت. در نتیجه این امر، کشورهای عربی همچون عربستان و امارات متحده عربی به دنبال همان راه کارهایی خواهند رفت که عملاً در سال ۱۳۹۲ در اولویت قرار دادند. از جمله می‌توان به تلاش برای تقویت توان ملی از طریق خریدهای به شدت گسترده نظامی و البته این بار شامل تسلیحات متفاوتی همچون ناوهای فوق مدرن و همچنین گسترده کردن روابط نظامی با کشورهایی که تاکنون کمتر مد نظر کشورهای عربی بوده‌اند، اشاره نمود. در این بین می‌توان به گسترش روابط تمامی ابعاد با آلمان، فرانسه، روسیه و در آینده چین اشاره نمود. البته، این اقدامات تا حد زیادی با هدف متقاعد نمودن آمریکا برای ایفای نقش سنتی‌اش در امنیت خاورمیانه صورت می‌گیرد. بر این اساس، آنچه می‌توان در مورد آینده روندهای نظامی و دفاعی خاورمیانه پیش‌بینی نمود، آغاز موج جدید و البته بسیار گسترده مسابقه تسلیحاتی است. تجربه تاریخی در خاورمیانه نشان داده که معمولاً مسابقه تسلیحاتی نتوانسته عاملی برای ایجاد امنیت باشد و به درگیری‌های خرد و کلان در سطح منطقه بین کشورهای دشمن انجامیده است. به واقع، بخشی از این درگیری هم‌اکنون در سطح منطقه در کشورهایی همچون عراق، لبنان، سوریه و یمن دیده می‌شود که به احتمال زیاد در سال ۱۳۹۳ بر شدت و حدت آنها افزوده خواهد شد.